

## تدوین سناریوهای آینده صلح و امنیت نظام بین‌الملل معاصر با تأکید بر مؤلفه‌های امنیت جامع

خادم علی تهذیبی<sup>۱</sup>

رضا سیمبر<sup>\*۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر درصدد تدوین سناریوهای آینده صلح و امنیت نظام بین‌الملل معاصر با تأکید بر مؤلفه‌های امنیت جامع است. از این منظر پس از بسط فضای مفهومی موضوع، ضمن بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر امنیت از جمله سه مؤلفه اقتصاد، محیط زیست و حقوق بشر، بر اساس روش سناریو نویسی سناریوهای محتمل آینده امنیت بین‌الملل را مشخص خواهد نمود. یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارند که اولاً؛ امنیت جامع، رهیافتی است که در آن به مقوله امنیت، صرفاً از نگاه سیاسی و نظامی نگریسته نمی‌شود، بلکه مؤلفه‌های درهم تنیده‌ای همچون حقوق بشر، اقتصاد جهانی و محیط زیست را در خود جای داده است، ثانیاً؛ مقوله امنیت در نظام بین‌الملل معاصر علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته برای تحقق جامعیت آن، هنوز عمدتاً نظامی و سیاسی محور است. این موضوع سبب شده تا امنیت در اشکال سیاسی و نظامی نتواند صلح و ثبات را در نظام بین‌الملل محقق کند، بلکه مؤلفه‌های امنیت جامع همچون حقوق بشر، اقتصاد جهانی و محیط زیست است که می‌تواند تأمین‌بخش صلح و امنیت برای آینده نظام بین‌الملل معاصر باشد. این مقاله به این نتیجه رسیده است که با توجه به رشد فزاینده بحران‌های زیست محیطی در سطح جهان، سناریوهای مرتبط با محیط زیست در امنیت آینده نظام بین‌الملل معاصر محتمل و مرجح است و لذا بحران‌های محیط زیستی تأثیر به مراتب بیشتری به نسبت اقتصاد و حقوق بشر بر امنیت بین‌المللی خواهد داشت.

واژگان کلیدی: امنیت بین‌الملل، مؤلفه‌های اقتصادی، مؤلفه‌های حقوق بشری، مؤلفه‌های محیط زیستی، سناریوهای احتمالی

۱. گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد بین‌الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.  
۲. استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول).

\* rezasimbar@hotmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰  
فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دهم، شماره پیاپی سی و نه، صص ۳۱۶-۲۹۱

## مقدمه

امنیت یکی از اساسی‌ترین مفاهیم حوزه سیاست و روابط بین‌الملل است. امنیت نیاز بنیادین و هدف اولیه و اساسی تک‌تک انسانها در جامعه و دولتها در عرصه بین‌المللی است به طوری که مهمترین وظیفه و مسئولیت دولت ملی که مبنای تأسیس آن محسوب می‌شود، برقراری امنیت است چرا که کشورها در خلاء و به تنهایی زندگی نمی‌کنند، بلکه در یک جامعه بین‌المللی، متشکل از کشورهای مختلف با منافع و توانمندی‌های متفاوتی زندگی می‌کنند که هیچ مرجع فائده‌ی زمینی بر آن کنترل و نظارت ندارد. تعارض منافع و تفاوت در میزان قدرت، ارزش‌های ملی کشورهای مختلف را با تهدید مواجه می‌نماید. لذا تامین امنیت و دفع تهدیدات از جمله نگرانی‌های همیشگی هر کشور به شمار می‌رود. چون در گذشته عمدتاً تهدیدات امنیتی از نوع سخت‌افزاری بود و دولتها تلاش می‌کردند برای ارتقا امنیت خود و ایجاد بازدارندگی در برابر دیگر دولتها قدرت نظامی خود را افزایش دهند؛ یا به عبارتی از نگاه واقع‌گرایان، دولتها تنها مرجع امنیت هستند و تنها تأمین امنیت دولتها اهمیت دارد و منبع تهدید نیز دولتهای دیگر محسوب می‌شوند (Kamrul Ahsan, 2016: 19-20). این مسئله نشان می‌دهد که امنیت همواره در کانون توجه افراد، دولتها و جامعه بین‌الملل قرار دارد و همواره در حال تغییر و تحول به سر می‌برد اما با پیچیده‌تر شدن روابط بین‌الملل و ظهور بازیگران غیردولتی جدید، مانند تروریست‌ها و گروه‌های مرتبط با جرایم سازمان یافته از یک سو و افزایش منابع تهدید - مانند تهدیدهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی، مهاجرت دسته جمعی، درگیری‌های داخلی و بیماری‌های واگیردار - نظریه پردازان را با عوامل جدیدی روبه‌رو نمود که امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کنند و دیگر صرفاً دولتها منبع تهدید محسوب نمی‌شوند. امنیت ملی دیگر نباید صرفاً بر اساس توانمندی‌های نظامی یک کشور تعریف شود. تسلیحات هسته‌ای و دیگر تسلیحات مدرن قادر به مبارزه با همه‌گیری، تغییرات اقلیمی، مهاجرت‌های غیرقابل کنترل و دیگر چالش‌های فراروی بشر به‌طور کلی و کشورها به‌طور انفرادی نیستند. اکنون ما شاهد آن هستیم که بسیاری از ابزارهای قدیمی که از گذشته برای تضمین امنیت ما به ارث رسیده‌اند، بی‌فایده است و صرفاً باعث هزینه‌ی منابع عظیمی می‌شود

که می‌تواند صرف توسعه علمی، آموزش و پزشکی شود (Vrey & Solomon, 2020: 2-9)؛ چرا که تاثیر موضوعاتی همانند محیط زیست نشان داد تهدیدات طبیعی و زیستی به مراتب سخت‌تر از عوامل دیگر به حساب می‌آیند. لذا در این راستا می‌توان بیان داشت که یکی از ابعاد جدید امنیت، بعد طبیعی آن است که ناظر بر ایمنی و آرامش فضای جغرافیایی زیستگاه سازه‌های انسانی ناشی از پدیده‌ها و تهدیدات طبیعی نظیر سوانح طبیعی، بیماری‌های واگیردار و اپیدمیک، آلودگی‌های محیطی، کاستی بنیادهای زیستی، بحرانهای اکولوژیک و اکوسیستمی و غیر آن می‌باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۴۵۸).

بنابراین در درک ضرورت و اهمیت این مقاله می‌توان بیان داشت در محیطی سرشار از تغییر و بی‌ثباتی و آکنده از عدم قطعیت‌ها، تنها رویکردی که احتمال موفقیت‌های بیشتری دارد، تلاش برای معماری آینده و شناخت آینده است. در خصوص پیشینه تحقیق در مورد تدوین سناریوهای آینده صلح و امنیت نظام بین‌الملل معاصر با تأکید بر مؤلفه‌های امنیت جامع می‌توان بیان داشت که منابع اندکی در قالب، مقاله، پایان‌نامه و یا کتاب در این خصوص به زبان فارسی نوشته نشده است و یا به عبارت دیگر تهدیدات امنیت بین‌المللی را از سه منظر اقتصاد، حقوق بشر و محیط زیست مورد توجه قرار نداده‌اند لذا در این خصوص ما با ادبیات ضعیف و یا کمبود پیشینه روبه‌رو هستیم لذا عمده پیشینه‌هایی که به این موضوع نزدیک هستند در زیر بدانها پرداخته خواهد شد.

کلاته عربی (۱۳۹۷) در کتابی با عنوان: «آنارسی (چالش‌های حفظ امنیت در پسابحران در نظام بین‌المللی» پژوهش‌های این کتاب شامل مسائلی پسا بحران همچون افزایش جرم و جنایت، مسائل امنیتی، تاسیس و ساخت سیستم‌هایی برای حل این نوع مسائل، عدالت و عدالت خواهی است از سوی دیگر دو مولفه اقتصاد و جنسیت در قالب حقوق بشر در این کتاب مطرح می‌گردند که بسیار حائز اهمیت هستند. علیزاده و پیشگاهی‌فر (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان: «امنیت زیست محیطی و تحول مفهوم امنیت در قرن ۲۱» با روش تحلیل محتوا ضمن بررسی مفهوم امنیت ملی و امنیت زیست محیطی به بررسی تفاوت دیدگاه‌ها نسبت به امنیت زیست محیطی در دوران کنونی و دوران نظام دو قطبی در جهان می‌پردازد. جعفری (۱۳۹۷) در پایان‌نامه‌ای با عنوان: «آینده‌پژوهی تأثیر متقابل روندهای جهانی و سیاست بین‌الملل بر مناقشات خاورمیانه و تأثیر آن بر رقابت‌های

ایران و آمریکا تا ۲۰۲۵» از روش سناریونویسی برای تبیین آینده تحولات در خاورمیانه و تاثیر آن بر رقابت‌های ایران و آمریکا می‌پردازد. این پژوهش از دو بعد نظری و سناریونویسی می‌تواند بسیار مفید واقع گردد. جیمز ام. اسکات، (۲۰۱۸) در کتابی با عنوان: «امنیت بین‌المللی، اقتصادی و انسانی در دنیای در حال تغییر» به این نتیجه می‌رسد که تنها بهره‌مندی از قدرت نظامی نمی‌تواند امنیت کشورها را تأمین نماید و عواملی مانند محیط زیست، حقوق بشر، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و امنیت سیاسی از اهمیت بسیاری در ارتقای امنیت بین‌المللی برخوردار است. بلیک راتنر، (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان: «امنیت زیست‌محیطی: ابعاد اولویت‌ها» بر اساس یافته‌های این پژوهش، محیط زیست و منابع طبیعی نقش مهمی در حفظ صلح و امنیت ایفا می‌کند. نتیجه نگارنده از مقاله خود این است که، سرمایه‌گذاری در امنیت زیست‌محیطی برای حفاظت از زیست‌بوم‌ها و تداوم زندگی بر روی زمین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با بررسی پیشینه‌های پژوهش و در راستای نوآوری مقاله می‌توان بیان داشت که در رابطه با چشم انداز نظام امنیت جامع موجود در سطح جهانی می‌توان گفت به سبب جهانی شدن تهدیدات و چالش‌ها و به‌ویژه تهدیدات اقتصادی، حقوق بشری و محیط‌زیستی و تلاش دولت‌ها در جهت شکل‌گیری یک ساختار امنیتی مناسب، زمینه و شرایط تکمیل این برنامه تا حدودی تثبیت شده است. بنابراین، با در نظر گرفتن کلیه موارد فوق، لازم است روابط امنیت با اقتصاد، حقوق بشر و محیط زیست بر اساس اصل اشتراک منافع و رسیدن به تفاهم پیرامون تهدیدات و منافع مشترک به صورت همکاری بین آنها در چارچوب نظام امنیتی جامع موجود بررسی قرار گیرد این امر می‌تواند منجر به طراحی سناریوهایی محتمل در این زمینه در راستای آینده نظام امنیت جامع گردد این موضوع ضمن اهمیت توأم با نوآوری است.

1. International economic and human security in a changing world
2. Environmental security: dimensions and priorities

## امنیت و تاثیر سه مولفه اقتصاد، حقوق بشر و محیط زیست بر آن

امنیت موضوعی است که با حیات فردی و اجتماعی انسان همراه بوده و از نیازهای اساسی او محسوب می‌شود. امید به زندگی، پیشرفت و ترقی در بسیاری از زمینه‌ها اعم از پیشرفت فرهنگی، اقتصادی و دستیابی به صنعت و تکنولوژی در پرتوی امنیت میسر و ممکن است. به عبارت دیگر چنانچه ضریب امنیت در کشوری در حد بالایی باشد، افراد و اقوام ساکن در آن با صلح و صمیمیت، آسایش و آرامش در کنار هم زندگی کرده و برای عمران و آبادانی کشورشان به طور فردی و گروهی تلاش می‌کنند (Kamrul Ahsan, 2016: 1-5)، اما با پیچیده‌تر شدن روابط بین‌الملل و ظهور بازیگران غیردولتی جدید، امروزه امنیت ابعادی گسترده و تنوعی قابل توجه یافته و به طور پیوسته نیز در حال گسترش و توسعه می‌باشد و به شدت از متغیرهای همانند اقتصاد، حقوق بشر و محیط‌زیست تاثیر می‌پذیرد.

یکی از مفاهیمی که امنیت به شدت از آن تاثیر می‌پذیرد و بر آن تاثیر نیز می‌گذارد اقتصاد است. بنابراین می‌توان عنوان داشت که، در عصر جهانی شدن، اقتصاد و امنیت لازم و ملزوم یکدیگرند. از دیدگاه واقع‌گرایان، ارتباط مستقیمی میان قدرت اقتصادی و ثبات و امنیت کشورها وجود دارد. با توجه به تجربه‌های تاریخی، بی‌ثباتی در هر کدام از دو حوزه سیاست و اقتصاد می‌تواند تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شود. یکی از نمونه‌های تأثیر منفی بی‌ثباتی اقتصادی بر صلح و امنیت بین‌المللی را می‌توان در دهه ی ۱۹۳۰ جستجو کرد. بروز بحران‌های اقتصادی در این دهه میزان بیکاری در آلمان را افزایش داد و این امر به قبضه قدرت توسط گروه‌های فاشیستی در این کشور کمک کرد که نتیجه آن وقوع جنگ جهانی دوم و کشته شدن میلیون‌ها نفر گردید. این اتفاقات سیاستگذاران و تصمیم‌گیران کشورهای مختلف را بر آن داشت تا با ایجاد نهادهای ملی و بین‌المللی از تکرار این بحران‌ها جلوگیری نمایند (Zukrowska, 272) چرا که؛ در صورت عدم تأمین شرایط امنیتی، نمی‌توان در انتظار به ثمر نشستن و حتی پا گرفتن نهاد اقتصاد یا به اصطلاح توسعه اقتصادی بود؛ جامعه توسعه یافته، نمی‌توانست ناامنی و بی‌ثباتی را تحمل کند و بر این باور بود که توسعه، به تقویت مبانی امنیتی جامعه خواهد انجامید؛ اما نمی‌توان صرفاً مفهوم امنیت را به سطح اقتصادی تقلیل داد و مسائلی همانند

رابطه متقابل محیط زیست، حقوق بشر و... را با امنیت نادیده گرفت. بنابراین در بررسی رابطه میان امنیت و محیط‌زیست می‌توان بیان داشت پس از اتمام جنگ سرد، ارتباط میان تغییرات، فشارها و فرسایش زیست محیطی و موضوع امنیت مورد توجه بسیاری از متخصصان این حوزه قرار گرفت. به طور دقیق‌تر می‌توان گفت که متخصصان این حوزه به سه پیامد ناشی از تغییرات زیست محیطی اشاره می‌کنند:

**نخست، بی‌ثباتی سیاسی:** کمبود منابع، اقتصاد ملی را تحت تأثیر قرار داده و میزان درآمد دولت را کاهش می‌دهد که این امر می‌تواند به کاهش توانایی‌ها و ظرفیت دولت در حل مشکلات و در نتیجه کاهش مشروعیت آن منجر شود. این مسئله می‌تواند به قیام و شورش‌های داخلی بیانجامد که مانند بحران سوریه ممکن است ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی نیز به خود بگیرد.

**دوم، بروز مشکلات اقتصادی و نبود امنیت غذایی:** از دیگر پیامدهای تغییرات اقلیمی و زیست محیطی به شمار می‌رود. این مشکل در کشورهایی که از نظر اقتصادی به بخش کشاورزی وابسته هستند بیشتر امنیت ملی آن‌ها را تهدید می‌نماید. برخی از کارشناسان برای توضیح و تبیین علل بروز جنگ داخلی رواندا و ظهور پدیده‌ی بهار عربی به این نوع از مشکلات اقتصادی اشاره می‌کنند. در نهایت، مطالعات مربوط به پیامدهای تغییرات اقلیمی به جابجایی‌های بزرگ جمعیتی در نتیجه تغییرات زیست محیطی اشاره می‌کنند که می‌تواند به دلایل مختلف - از قبیل درگیری میان مهاجران و جمعیت بومی آن منطقه - به گسترش درگیری و خشونت منجر شود (Rita, 2008: 4-5).

**سوم، ارتباط میان محیط زیست و امنیت:** به درگیری‌های زیست محیطی مربوط می‌شود. به عنوان مثال، می‌توان به کمبود منابع طبیعی به عنوان یکی از عوامل بروز درگیری نظامی میان کشورها و گروه‌های مختلف اشاره نمود. کاهش پوشش جنگلی، آلودگی آب‌ها و تغییرات آب و هوایی از جمله مواردی هستند که می‌توانند به گسترش درگیری در مناطق مختلف دامن بزنند. بسیاری از کارشناسان معتقدند که یکی از عوامل بروز درگیری و جنگ داخلی در سوریه، وقوع خشکسالی بلند مدت و در نتیجه کاهش دسترسی به منابع طبیعی بوده است؛ اما این ارتباط میان امنیت و اقتصاد با محیط زیست

زمانی حائز اهمیت دوچندان است که بحث حقوق بشر را نیز در این ارتباط مد نظر قرار دهیم. چرا که حقوق بشر ارتباط نزدیکی با اقتصاد، امنیت و محیط زیست دارد. بنابراین امروزه ما شاهد شکل‌گیری امنیت محیط زیستی می‌باشیم که بسیار حائز اهمیت بوده و بدون توجه به آن نمی‌توان چشم‌انداز روشنی برای امنیت جامع متصور شد.

بنابراین حقوق بشر مولفه‌ای دیگری است که به شدت موضوع امنیت جامع را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد و در همین راستا باید گفت ارتباط میان امنیت و حقوق بشر از اهمیت بسیاری برخوردار است. اگر حقوق بشر را همان امنیت انسانی در نظر بگیریم، این ارتباط تقویت می‌شود. توسعه فردی، بین‌المللی و ملی نیازمند حمایت همه‌جانبه از امنیت انسانی است. توسعه نیازمند احترام به حقوق بشر و احترام به حقوق بشر از بروز درگیری‌ها، به خصوص درگیری‌های نظامی، جلوگیری می‌کند. فرآیندهای صلح‌سازی باید بر اساس بنیان‌های حقوق بشر ایجاد شوند و فرآیندهای صلح‌سازی باید توجه ویژه‌ای به حقوق بشر داشته باشند. رعایت حقوق بشر می‌تواند به ارتقای صلح و امنیت بین‌المللی کمک نماید و در صورتی که این جوامع و مردم از حقوق بشر محروم شوند زمینه‌ی شورش‌های داخلی و گسترش آنها به دیگر کشورها فراهم می‌شود و از این طریق صلح و امنیت بین‌المللی به خطر می‌افتد (طلایی، ۱۳۹۲: ۸۸).

امنیت انسانی به یک مبحث جهانی تبدیل شده است که در خلال مباحث جدید مربوط به امنیت مورد توجه قرار گرفته است. این موضوع نشان می‌دهد که امنیت، زور و قدرت ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. در مقابل، برخی بر این باورند که این رویکرد می‌تواند به گسترش مداخلات نظامی به بهانه‌ی حمایت از حقوق بشر منجر شود که این مسئله پیچیدگی‌های رابطه میان امنیت جامع و حقوق بشر را افزایش می‌دهد که خود می‌تواند سبب کاهش امنیت انسانی و نقض حقوق بشر در خلال انجام عملیات نظامی در کشورهای مختلف شود (Oberleitner, 2002: 13). بنابراین، ارتباط میان حقوق بشر و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی واضح و روشن است. عملیات حفظ صلح، ایجاد مکانیسم‌هایی برای رعایت حقوق کودکان و زنان، لغو مصونیت مسببین جنایات جنگی و برگزاری دادگاه‌های ویژه و برگزاری نشست‌ها و گفتگو با نهادهای حقوق بشری از جمله اقدامات مهم شورای امنیت سازمان ملل متحد برای رعایت حقوق بشر و

جلوگیری از به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌رود. لذا در این راستا می‌توان بیان داشت که حقوق بشر نیز همانند دیگر مولفه‌ها از جمله اقتصاد و محیط زیست رابطه بسیار نزدیکی با امنیت داشته که هم بر آن تاثیر می‌گذارد و هم از آن تاثیر می‌پذیرد. لذا آنچه از بررسی مباحث فوق نتیجه‌گیری می‌شود این است که ارتباط میان چهار مفهوم امنیت، اقتصاد، محیط زیست و حقوق بشر حاکی از مطرح شدن این مفاهیم در کنار هم و حکایت از هم‌پوشانی‌ها و شباهت‌های قابل توجهی میان آنها دارد. از جمله اینکه امنیت جامع بر ستون‌های مشترک حقوق بشر، اقتصاد و محیط‌زیست با تأکیدات متفاوت تکیه می‌کنند. به‌گونه‌ای که امنیت در گذشته بیشتر به مفهوم مصون ساختن یک کشور در برابر تهاجم بیگانه و یا برخوردها و جنگ‌های داخلی بوده است؛ اما امروز این مفهوم، امنیت شغل، امنیت درآمد، امنیت فرهنگی و اجتماعی، امنیت قضائی، امنیت بهداشت، امنیت زیست محیطی، ایمنی از جرایم و جنایات و امثال اینها در قالب حقوق بشر را نیز شامل می‌شود.

#### مبانی نظری تحقیق

در پژوهش حاضر به منظور تبیین نظری تدوین سناریوهای آینده صلح و امنیت نظام بین‌الملل معاصر با تأکید بر مؤلفه‌های امنیت جامع از رویکرد تلفیقی شامل تئوری مکتب کپنهاک، سازه‌انگاری و فمینیسم استفاده شده است. در ادامه به هر یک از این رویکردهای نظری در رابطه با موضوع پژوهش پرداخته می‌شود:

#### مکتب کپنهاک: امنیت چند بعدی و امنیت انسانی

تئوری‌های جدید در مطالعات امنیتی مانند مکتب کپنهاک، به رغم آن که امنیت ملی را مرکز ثقل و گرانیگاه مطالعات خود قرار داده‌اند، با این حال معتقدند که اگر دولتی نتواند امید به زندگی را در بین شهروندان تامین و تضمین کند، از لحاظ امنیت اجتماعی و امنیت عمومی فاقد کارآمدی باشد و امنیت اقتصادی و زیست محیطی را تامین ننماید، فاقد هرگونه امنیت ملی است. این مکتب کپنهاک ارتباط نزدیکی با متفکران سیاسی-فلسفی اروپای نیمه دوم قرن ۲۰ دارد (Lapaeva.2014: 23-89). از نگاه این مکتب



پایان جنگ سرد در ۱۹۹۱ موجب تغییر نوع نگاه به امنیت و تعاریف حاصل از آن شد: «بدین ترتیب مطالعات امنیتی تغییرات قابل توجهی را تجربه نمود و از تمرکز سنتی بر تهدید، به کارگیری و مدیریت نیروی نظامی و موضوعات مرتبط با آن فاصله گرفت. موضوعات جدیدی مانند بارش باران‌های اسیدی، گسترش بیماری ایدز، قاچاق بین‌المللی مواد مخدر، کاهش منابع محدود کره‌ی زمین، تخریب لایه‌ی اوزون، گرم شدن جهان، انفجار جمعیت، بحران‌های اقتصادی جهان و شکاف عمیق میان جهان ثروتمند و فقیر نیز وارد حوزه مطالعات امنیتی گشت» (Shultz, 1997: 43). بری بوزان یکی از اندیشمندان این حوزه معتقد است علاوه بر تحول در مرجع امنیت، در تحلیل چندبعدی آن باید به بررسی تأثیر فرهنگ، جغرافیا، محیط‌زیست، تمدن و مذهب، و از همه مهم‌تر، هویت نیز توجه شود. به عبارت دیگر، هدف مرجع، هویت افراد جامعه است. با توجه به آنچه که گفته شد، تحلیل نوین از امنیت، تنها منحصر به چارچوب عینی نبوده، بلکه موضوعی بین‌الذاتی است (Booth, 2005: 260-261). نکته قابل ذکر پیرامون مکتب کپنهاگ، مفهوم امنیتی ساختن است. امنیتی ساختن به فرآیندی گفته می‌شود که منجر به اهمیت و قراردادن برخی موضوعات در چارچوب امنیت می‌گردد، در حالی که پیش از آن در این حوزه قرار نداشته‌اند. امنیتی کردن به معنی قرار دادن یک موضوع غیرامنیتی در مداری امنیتی است (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۹-۴۶۶)؛ به عنوان مثال مواد مخدر از یک معضل اجتماعی به عنوان عاملی تأثیرگذار بر امنیت ملی و سیاسی مطرح می‌گردد، چرا که گروه‌های معارض و مخالف روند سیاسی حاکم بر تولید و تجارت مواد مخدر به عنوان منبع درآمدی برای تأمین مالی و خرید سلاح و غیره به منظور مقابله با دولت حاکم استفاده می‌کنند. طرفداران این نظریه استدلال می‌کنند که شهروندان یک کشور لزوماً بدلیل وجود امنیت در مرزهای آن کشور به طور کامل از تهدیدات در امان نیستند. آن‌ها بر این باورند که تهدیدات دیگری نیز وجود دارند که حتی در صورت امن بودن مرزهای کشور ممکن است شهروندان را با مخاطرات بسیاری مواجه نماید. این تهدیدات عبارتند از: فقر، گرسنگی، شکنجه، اعمال محدودیت بر حقوق اساسی افراد توسط حکومت‌های غیر دموکراتیک و بیماری‌های مزمن (AWUDU, 2016: 9-11).

## سازه‌انگاری و امنیت

نخستین کارهای امنیتی منبعث از دیدگاه سازه‌انگاری، معطوف به مبحث «جماعات امنیتی» است. آدلر، کاتزنستین، و بارنت نظریه‌پردازان این حوزه‌ی خاص هستند. بر این اساس، نظریه‌پردازان مذکور با ادامه آراء و نظریه‌های کارل دویچ پیرامون رویکرد مبادلات - ارتباطات در نظریه‌های همگرایی از استنتاجات نظری دیدگاه سازه‌انگاری در مطالعات امنیتی بهره‌جسته‌اند. در اینجا لازم به ذکر است که مبحث جماعات امنیتی بخشی مهم از مباحث مرتبط با نظم‌های منطقه‌ای است. بر این اساس، نظریه‌پردازان مزبور به مقولاتی چون تأثیر فرایندهای اجتماعی و جامعه بین‌الملل بر تغییر سیاست‌های امنیتی و همچنین تعریف منافع امنیتی بازیگران در پاسخ به عوامل فرهنگی در چهارچوب یک جماعت امنیتی می‌پردازند (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۹۱-۲۰۰). مطالعات امنیتی که با رویکرد ساده‌انگاری، انجام گرفته است، تلاش دارد تا فرایندهای تحول اجتماعی و بین‌المللی را در ارتباط با یکدیگر مورد ارزیابی قرار دهد (شیهان، ۱۳۸۸: ۲۲۱-۲۴۱). از این رو در این مکتب تلاش برای پل زدن بین نظام‌های داخلی و بین‌المللی یکی از رویکردهای عمده‌ی سازه‌انگاران است و این مسئله باعث شده تا آنان امنیت داخلی و خارجی بازیگران را با یکدیگر مرتبط بدانند. پیوند شاخص‌های مربوط به امنیت داخلی و بین‌المللی، بیانگر آن است که کشورها در روند تامین اهداف استراتژیک خود نیازمند بهره‌گیری از الگوها و شاخص‌های نرم‌افزاری می‌باشند. در این ارتباط ماهیت تهدیدات نیز دگرگون شده است. بر اساس اشکال جدید تهدید، استراتژی کشورها برای مقابله با تهدیدات طراحی شده است. بر این اساس، سازه‌انگاران سرچشمه‌ی امنیت و ناامنی را در نحوه‌ی تفکر بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوعات، خصوصاً منافع و تهدیدات، می‌دانند. از منظر سازه‌انگاری، امنیت بیش از قدرت بر میزان درک و فهم مشترک بازیگران از یکدیگر استوار است (عیوض‌زاده اردبیلی، ۱۳۹۱: ۱۹۰-۲۱۱).

## رویکرد فمینیستی در مطالعات امنیتی

فمینیسم با مسائل امنیتی انتقادی، باید بگوئیم آمار بیانگر آن است که نداشتن امنیت (یا کاهش امید به زندگی) امری جنسیتی است که با سایر منابع ناامنی نظیر نژاد، فقر و روستانشینی ترکیب می شود. نظریات فمینیستی طیفی متنوع از عقاید درباره‌ی نقش، موقعیت و هویت زنان به نسبت مردان را شامل می شود. مفروض تمام نظریات فمینیستی این است که روایت‌های مربوط به زنان، زبانی مردانه دارد و هویت و نقش زنان در مسائلی که به نحوی به آن‌ها مربوط است نادیده گرفته شده است؛ بنابراین، تغییر وضعیت زنان، جزء اهداف مشترک آن‌ها است، اگرچه رهیافت فعالان فمینیستی در موضوعات مختلف متفاوت است. در حوزه‌ی مطالعات امنیتی نیز تلاش فمینیست‌ها بر این است که توجه را به موضوع جنسیت و روش‌های متفاوت اندیشیدن به آن و مفهوم‌سازی امنیت و پاسخ به معضلات امنیتی که از نظر آن‌ها ماهیتا جنسیتی است، جلب کنند (Withworth, 2008: 103). رویکرد فمینیستی همانند رویکرد انتقادی در حوزه‌ی مطالعات امنیتی، امنیت را مقوله‌ای چندبعدی با پیچیدگی‌های بسیاری می‌دانند. از دیدگاه اغلب اندیشمندان فمینیست، تهدیدهای امنیتی شامل خشونت‌های خانگی، تجاوز، فقر، تبعیض جنسیتی، تخریب محیط زیست و جنگ‌های کلاسیک می‌شود. اندیشمندان فمینیستی بر این موضوع تأکید می‌کنند امنیت افراد بر امنیت ملی تأثیرگذار است و همانند رویکرد انتقادی فرد را مهم‌ترین مرجع امنیت می‌دانند. مطالعات فمینیستی هم‌چنین نشان می‌دهد که امنیت افراد چگونه توسط سیاست‌های اشتباه دولت‌ها به خطر می‌افتد. به‌طور کلی، اندیشمندان فمینیست بر این باورند که حفظ امنیت جهانی تنها در صورتی امکان‌پذیر است که مسئله‌ی جنسیت مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، زنان می‌توانند به‌عنوان عضوی فعال از جامعه‌ی جهانی، نقش به‌سزایی در ارتقای امنیت بین‌الملل و امنیت فردی ایفا کنند. در مقابل، به‌حاشیه‌رفتن زنان در مسائل سیاست جهانی و امنیت بین‌الملل به گسترش خشونت و درگیری دامن خواهد زد. مطالعه‌ای که در سال ۲۰۰۱، توسط ماری کاپریولی و مارک بویر انجام شده است، نشان

۳۰۱

پژوهش‌های بین‌المللی  
روابط بین‌الملل

تدوین سناریوهای  
آینده صلح و امنیت  
نظام بین‌الملل  
معاصر با تأکید بر  
مؤلفه‌های امنیت  
جامع

می‌دهد دولت‌هایی که در آن‌ها نابرابری جنسیتی وجود دارد، از خشونت بیشتری در درگیری‌ها و اختلافات بین‌المللی استفاده می‌کنند.<sup>۱</sup>

### جمع بندی پیشینه پژوهش

بررسی مبانی نظری نشان می‌دهند که رویکرد سنتی به مقوله امنیت پاسخگوی شرایط و نیازهای کنونی جامعه جهانی نیست. بروز تهدیدات جدید از قبیل جرایم سازمان‌یافته، گروه‌های تروریستی و تولید و قاچاق مواد مخدر و بیماری‌های طبیعی فراگیر و اپیدمیکی در دهه‌های اخیر نیازمند رویکردی جدید نسبت به مفهوم امنیت است. لذا جامعه‌ی بین‌الملل ضمن توجه به مفهوم موسع از امنیت لازم است به موضوع هویت و تاثیر عوامل اجتماعی، عدم تغییر مرجع امنیت از دولت به جامعه، عدم توجه به مسئله جنسیت و عدم توجه به موضوعاتی همانند حقوق بشر و محیط زیست بر امنیت و چالش‌های آن توجه جدی داشته باشند چرا که؛ تخریب محیط زیست و عدم توجه به مقوله حقوق بشر و معضلات اقتصادی بدون شک مساله‌ای جهانی است که نیازمند برجسته شدن همکاری و نفع مشترک بشری است و دولت‌ها گریزی از واگذار کردن بخشی از حاکمیت و اقتدار خود به قوانین و الزامات بین‌المللی برای مقابله موثر با مشکلات زیست محیطی، حقوق بشری و اقتصادی که کلیت جامعه بشری را تهدید می‌کند ندارند. به عبارتی واضح‌تر، دست یابی به امنیت جامع نیازمند همکاری جمعی دولت‌هاست.

### یافته‌های پژوهش: سناریوها

در این قسمت به بررسی سناریوهای آینده امنیت جامع با تاکید بر سه مولفه اقتصادی، محیط زیست و حقوق بشر می‌پردازیم:

1.  
[https://www.academia.edu/292413/Feminist\\_Security\\_Studies\\_Conversations\\_and\\_Introductions](https://www.academia.edu/292413/Feminist_Security_Studies_Conversations_and_Introductions), p. 8-10.

الف- سناریوهای آینده صلح و امنیت نظام بین‌الملل با تاکید بر محیط زیست در سه حالت (محتمل، مطلوب، ممکن)

۱) جمعیت در حال رشد و سلامت عمومی رو به زوال است (جهان در سال ۲۰۳۲) در سال ۲۰۳۲، نرخ فقر در بخش‌های زیادی از جهان در حال کاهش است و جمعیت جهانی ۸/۵ میلیارد نفر است. اقتصاد چین، هند، روسیه و برزیل به شدت رشد کرده‌اند. بازیکنان تجاری خصوصی تأثیر جهانی خود را افزایش داده و یک نیروی محرکه در جهان هستند. حدود دوازده شرکت بزرگ چند ملیتی دارای موقعیت بسیار غالب هستند. بهداشت، آموزش، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و برنامه‌ریزی توسط شرکت‌های خصوصی در بسیاری از کشورها انجام می‌شود. دارایی‌های ملی سابق مانند آب آشامیدنی و جاده‌ها نیز در بسیاری از موارد خصوصی‌سازی شده‌اند.

لابی شرکت‌ها در بسیاری از زمینه‌ها بر تصمیم‌گیری سیاسی تأثیر می‌گذارد. اکثر شرکت‌های بزرگ مسئولیت اجتماعی گسترده‌تری، را ایجاد کرده‌اند و مشاغلی را ایجاد کرده‌اند که به موضوعات مربوط به محیط زیست، خدمات اجتماعی، زیرساخت‌ها، توسعه منطقه‌ای و کمک‌های بین‌المللی می‌پردازد. حتی سازمان‌های غیرانتفاعی و جنبش‌های مردمی نیز اهمیت بیشتری پیدا کرده و در دستور کار سیاسی تأثیر می‌گذارند. از آنجایی که صندوق‌های رای دیگر به اندازه آنچه برای افرادی که می‌خواهند اعمال نفوذ کنند مهم نیست، بسیاری از افراد در عوض شرکت در سازمان‌هایی را نظارت می‌کنند که با شرکت‌های بزرگ گفتگو می‌کنند. به استثنای چند درگیری مسلحانه محدودتر، جهان در سال ۲۰۳۲ نسبت به ۲۰ سال پیش آرام‌تر است.

تغییرات آب و هوا با سرعتی بالاتر از آنچه انتظار می‌رفت رخ داده است در سال ۲۰۳۲، طغیان گسترده، خشکسالی گسترده و طولانی مدت، فرسایش مناطق ساحلی و طوفان‌های گرمسیری به طور فزاینده‌ای از موارد معمول است. کمبود آب آشامیدنی پاک در بسیاری از کشورها به یک موضوع سیاسی داغ تبدیل شده است. این پیشرفت برای شرکت‌ها، آژانس‌ها و مردم لزوم کاهش سریع انتشار گازهای گلخانه‌ای را روشن کرد.

تسریع در تغییر اقلیم و محدودیت‌های انتشار جهانی، توسعه در فناوری انرژی را تشدید کرده و پیشرفت عمده‌ای در فن‌آوری در دهه ۲۰۵۰، به ویژه در زمینه انرژی

خورشیدی، ایجاد شده است. سهم منابع انرژی تجدیدپذیر بسیار سریع در حال رشد است و طبق برخی پیش‌بینی‌ها، بیش از ۹۰ درصد تولید برق تا سال ۲۰۵۰ بر اساس منابع تجدیدپذیر انرژی تأمین می‌شود. سوخت‌های غیرفسیلی جدید در بیشتر موارد جایگزین نفت به عنوان سوخت می‌شوند. در اروپا، ترافیک اتومبیل و کامیون عمدتاً بر اساس سوخت‌های تجدیدپذیر مانند هیدروژن و برق تجدیدپذیر است. طبق آخرین پیش‌بینی‌های سازمان ملل، گرم شدن کره زمین طی چند دهه آینده کند خواهد شد.

## ۲) تسریع در تغییر اقلیم و افزایش قیمت نفت (مطلوب)

### جهان در سال ۲۰۳۲

در سال ۲۰۳۲، میانگین دمای کره زمین ۲۰ درجه سانتیگراد بالاتر از زمان قبل از صنعت است. عواقب تغییرات آب و هوایی به ویژه قابل توجه است. امواج گرما، خشکسالی‌های طولانی مدت، باران‌های سیل‌آسا، سیل، لغزش زمین، رانش زمین و آتش‌سوزی گسترده جنگل‌ها پدیده‌های رایج‌تری هستند و باعث ایجاد مشکلات عمده و آسیب رساندن به ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها در سراسر جهان می‌شوند. نشانه‌های واضحی وجود دارد که ذوب ورقه یخ گرینلند در آستانه بحرانی است. حتی در این صورت، هنوز تأثیر قابل توجهی بر سطح دریا وجود ندارد، اما محققان به طور کلی توافق دارند که ممکن است طی قرن آینده دو متر افزایش یابد. جوامع در سراسر جهان به سختی می‌توانند با شرایط جدید سازگار شوند.

مصرف سوخت‌های فسیلی (نفت، زغال سنگ و گاز) همچنان در حال افزایش است و انتشار کربن رشد چشمگیری دارد. قیمت نفت به سرعت در حال افزایش است، به این معنی است که سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر به سرعت در حال افزایش است، اما ده‌ها سال سرمایه‌گذاری‌های از دست رفته به این معنی است که تقاضا بیش از عرضه است. هم انرژی‌های تجدیدپذیر و هم نفت بسیار گران هستند که این یک تهدید برای محیط زیست جهانی است. سرمایه‌گذاری‌های عمده‌ای نیز در زمینه افزایش انرژی بادی و انرژی خورشیدی انجام شده است، اما مورد دوم هنوز هم درصد بسیار کمی از کل تولید برق را تشکیل می‌دهد. تولید انرژی در مقیاس کوچک نیز به سرعت در حال

افزایش است. چین در حال ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای جدید است اما در اروپا فقط نیروگاه‌های منسوخ شده با نیروگاه‌های جدید جایگزین می‌شوند. نیروگاه‌های تجاری مبتنی بر زیست توده نیز در دست ساخت هستند.

به منظور کاهش سریع انتشار گازهای گلخانه‌ای بزرگ، آزمایش‌هایی برای ذخیره‌سازی گاز دی‌اکسید کربن آغاز شده است، اما مشکلات و هزینه‌های فنی مانع ساخت آن شده است. بنابراین تعداد نیروگاه‌های مورد استفاده از این فناوری بسیار ناچیز است. همچنین برنامه‌هایی برای آزمایش روش‌های مختلف "مهندسی ژئو" در مقیاس وسیع در نظر گرفته شده است، زیرا معمولاً مهندسی ژئو به عنوان تنها راه حل سریع تسریع در تغییرات آب و هوا در نظر گرفته می‌شود.

۳۰۵

پژوهش‌های بین‌المللی  
روابط بین‌الملل

تدوین سناریوهای  
آینده صلح و امنیت  
نظام بین‌الملل  
معاصر با تأکید بر  
مؤلفه‌های امنیت  
جامع

### ۳) پیشرفت‌های چشمگیر در بیوتکنولوژی (مطلوب)

در سال ۲۰۳۲، استفاده از بیوتکنولوژی در مراقبت‌های بهداشتی و پرستاری بسیار گسترده‌تر از اوایل سال ۲۰۰۰ است. تحقیقات سلول‌های بنیادی در سال ۲۰۳۲ روش‌های درمانی موفقیت‌آمیزی را به همراه خواهد داشت، که منجر به ایجاد بسیاری از شرکت‌های کوچک و متوسط جدید مبتکر برای کار با اشکال مختلف درمان سلول‌های بنیادی می‌شود. پیشرفت در بیوتکنولوژی همچنین به معنای پیشرفت در بسیاری از موارد زیر است: بیماری‌های رایج ویروسی که قبلاً محصولات کشاورزی گندم، برنج و سیب زمینی را تحت تأثیر قرار می‌داد در سال ۲۰۳۲ عملاً ریشه‌کن شده است. تحولات در زمینه فناوری محیط زیست به سرعت در حال پیشرفت است. روش‌های میکروبیولوژیکی برای پاکسازی زباله‌های سمی معمول است و حتی جلبک‌هایی برای استفاده در زیست توده کاشت و برداشت شده‌اند.

ب- سناریوهای آینده صلح و امنیت نظام بین‌الملل با تاکید بر مولفه‌های اقتصادی (محتمل، مطلوب، ممکن)

### ۱) جهانی‌سازی فراگیر (محتمل)

رشد اقتصادی، عوامل جمعیتی و حکمرانی موثر ایجاد می‌کند که اکثر مردم جهان را قادر می‌سازد از جهانی‌شدن بهره‌مند شوند. توسعه فن‌آوری و گسترش آن، در برخی موارد ناشی از بحران‌های شدید زیست محیطی یا بهداشتی، برای مقابله موثر با برخی از مشکلات کشورهای در حال توسعه استفاده می‌شود. رشد قوی اقتصاد جهانی - که با اجماع یک سیاست قوی در مورد آزادسازی اقتصادی ایجاد می‌شود - باعث گسترش گسترده ثروت و کاهش بسیاری از مشکلات جمعیتی و منابع می‌شود. حکمرانی در هر دو سطح ملی و بین‌المللی موثر است. در بسیاری از کشورها، نقش دولت کاهش می‌یابد، زیرا عملکردهای آن خصوصی می‌شود یا توسط مشارکت بخش خصوصی انجام می‌شود، در حالی که همکاری‌های جهانی در بسیاری از موضوعات از طریق انواع ترتیبات بین‌المللی تشدید می‌شود. درگیری‌ها در داخل و در میان کشورهایی که از جهانی‌شدن سود می‌برند کمترین است. اقلیتی از مردم جهان - در کشورهای جنوب صحرائی آفریقا، خاورمیانه، آسیای میانه و جنوب آسیا، از این تغییرات مثبت بهره‌ای نمی‌برند و درگیری‌های داخلی در پاره‌ای کشورها ادامه می‌یابد.

### ۲) رقابت‌های منطقه‌ای (ممکن)

رشد هویت‌های منطقه‌ای در اروپا، آسیا و آمریکا شدت می‌گیرد، که ناشی از رشد سیاسی است. مقاومت در اروپا و آسیای شرقی در برابر تسلط جهانی ایالات متحده و جهانی‌سازی با محوریت ایالات متحده و مشغله فزاینده هر منطقه با اولویت‌های اقتصادی و سیاسی خاص خود ادامه می‌یابد. توزیع ناهمواری از فناوری‌ها وجود دارد، که منعکس‌کننده مفاهیم منطقه‌ای مختلف مالکیت معنوی و نگرش نسبت به بیوتکنولوژی است. ادغام اقتصادهای منطقه‌ای در تجارت و دارایی افزایش می‌یابد، که هم منجر به رشد نسبتاً بالای رشد اقتصادی و هم افزایش رقابت منطقه‌ای می‌شود. دولت و نهادهای حاکمیت منطقه‌ای در کشورهای بزرگ توسعه یافته رشد می‌کنند، زیرا



دولت‌ها به لزوم حل مشکلات فوری منطقه‌ای و تغییر مسئولیت‌ها از نهادهای جهانی به منطقه‌ای پی می‌برند.

### ۳) اقتصاد ضعیف، بیکاری زیاد و ناآرامی‌های اجتماعی (جهان در سال ۲۰۳۰) (مطلوب)

روند توسعه جهانی در آسیا قوی‌تر از سایر نقاط جهان است، در حالی که در غرب ضعیف است. رشد جمعیت کمی کمتر از پیش‌بینی‌های سازمان ملل بوده است. طی ۲۰ سال گذشته، نفوذ آسیا در مقیاس جهانی افزایش یافته است، و چین، از طریق قدرت مالی خود، در سال ۲۰۳۲ بر صحنه جهانی تسلط دارد. چین به سمت دموکراسی پیش رفته و به مرکز جذابیت بیشتری برای امور مالی، بازرگانی و فرهنگ تبدیل شده است. توسعه فن‌آوری‌های جدید نیز عمدتاً در چین، هند و سایر کشورهای آسیایی انجام می‌شود. فعالان تجاری خصوصی تأثیر قابل توجهی در تجارت و سیاست در مقیاس جهانی دارند و مقر اصلی بسیاری از بزرگترین شرکت‌های چند ملیتی در چین است. در مقایسه با سال‌های دهه ۲۰۱۰، ساختار قدرت امریکا تضعیف شده است. موقعیت‌های جدیدی برای قدرت گرفتن سایر کشورها را ایجاد کرده و این مساله سبب شده تنش‌های جدیدی بین دو کشور چین و امریکا ایجاد شود. در ایالات متحده، کینه مردم از سلطه چین به طور گسترده‌ای وجود دارد. چین در حال حاضر محور اصلی سیاست امنیتی ایالات متحده است، کشورهای اتحادیه اروپا به سختی می‌توانند همگام با تحولات باشند و با اقتصاد ضعیف و بیکاری زیاد دست و پنجه نرم می‌کنند. این تا حدود زیادی میراث بحران بزرگ بدهی مالی است که در دهه ۲۰۱۰ حاکم بود و تقریباً اتحادیه اروپا را نابود کرد. تغییرات آب و هوایی در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰ به سختی موضوعیت داشت، اما اکنون نشانه‌های زیادی وجود دارد که میانگین دمای کره زمین به سرعت شروع به افزایش می‌کند.

۳۰۷

پژوهش‌های بین‌المللی  
روابط بین‌الملل

تدوین سناریوهای  
آینده صلح و امنیت  
نظام بین‌الملل  
معاصر با تأکید بر  
مؤلفه‌های امنیت  
جامع

ج- سناریوهای آینده صلح و امنیت نظام بین‌الملل با تاکید بر مولفه‌های حقوق بشری

### ۱) جهان بیدار می‌شود (مطلوب)

کشته شدن ده‌ها میلیون نفر توسط ویروس‌هایی (احتمالاً دستکاری شده ژنتیکی) مانند کرونا، جهان را آگاه خواهد ساخت که فرد یا گروه‌هایی می‌توانند سلاح کشتار جمعی تولید کرده و از آن بر علیه دیگران استفاده کند. این پدیده منجر به کنترل جهانی علم و فناوری می‌شود و سازمان بین‌المللی علم و فناوری بین‌المللی که با استفاده از مشاوره دانشمندان و رهبران برجسته جهان تشکیل شده است، که می‌تواند منجر به معاهدات و ایجاد قدرت نظارتی توسط این نهاد علمی در هماهنگی با شورای امنیت سازمان ملل متحد شود، تا توانایی صدور مجوز مداخلات در زمینه تحقیقات علمی را در هر نقطه از جهان صادر کند. امنیت انسانی، آزادی بدون ترس، اصل جدید سازماندهی امور جهانی در آینده است و به نظر می‌رسد قوانین و مقررات بین‌المللی علوم و تکنولوژی به سمت اجرای آن بروند.

### ۲) واکنش منفی (ممکن)

علم شکوفا می‌شود و عموم مردم معتقدند که تغییرات خوب است. اما این عصر علم شتاب‌دار یک جنبه‌های تاریک نیز دارد. تحولات شتاب می‌گیرد، برخی از قابلیت‌های جدید امنیت و حریم خصوصی را سخت تحت تاثیر قرار می‌دهند و عقلانیتی تحمیل شده ایجاد می‌کنند که ضد بسیاری از فرهنگ‌ها می‌باشد. کشورهای متقلب از سطح کنترل کم‌سو استفاده می‌کنند و تحت عنوان تحقیق سلاح‌های تهدیدکننده جهان را تولید می‌کنند. سطح نگرانی بالا می‌رود پیشرفت متوقف می‌شود و فقر همچنان رو به رشد است.

### ۳) جهانی شدن مخرب و رشد ناامنی و تهدید صلح جهانی (محتمل)

رشد جمعیت و کمبود منابع بارهای سنگینی بر دوش بسیاری از کشورهای در حال توسعه می‌گذارد و مهاجرت منبع اصلی تنش بین دولت‌ها می‌شود. فن‌آوری‌ها نه تنها در

حل مشکلات کشورهای در حال توسعه موفق نیستند بلکه توسط شبکه‌های منفی و غیرقانونی مورد سواستفاده قرار می‌گیرند و در سلاح‌های بی‌ثبات کننده گنجانده می‌شوند.

اقتصاد جهانی به سه قسمت تقسیم می‌شود: رشد در کشورهای پیشرفته ادامه دارد. بسیاری از کشورهای در حال توسعه رشد سرانه کم یا منفی را تجربه می‌کنند که نتیجه آن شکاف روزافزون با کشورهای توسعه یافته است. و اقتصاد غیرقانونی به طرز چشمگیری رشد می‌کند. حکمرانی و رهبری سیاسی در سطح ملی و بین‌المللی ضعیف هستند. درگیری‌های داخلی افزایش می‌یابد، که با انتظارات ناامید کننده، نابرابری‌ها و تنش‌های شدید اجتماعی ایجاد می‌شود. سلاح‌های کشتار جمعی تکثیر می‌شوند و حداقل در یک درگیری داخلی استفاده می‌شوند.

۳۰۹

پژوهش‌های بین‌المللی  
روابط بین‌الملل

تدوین سناریوهای  
آینده صلح و امنیت  
نظام بین‌الملل  
معاصر با تأکید بر  
مؤلفه‌های امنیت  
جامع

#### ۴) دستیابی به موفقیت در فناوری نانو (مطلوب)

دهه ۲۰۲۰ به عنوان دهه فناوری نانو شناخته شد. کل حوزه فناوری مواد دچار یک انقلاب نانو شده است. توسعه مواد بیشتر مربوط به ایجاد توانایی‌های بیشتر مورد تقاضا از سطح خرد است. برنامه‌های کاربردی متعدد است. استفاده از نانوذرات در پزشکی در سال ۲۰۳۲ به معنای دقت بسیار بالا در رساندن دارو به یک قسمت خاص از بدن است که به عنوان مثال انقلابی در مراقبت از سرطان ایجاد کرده است. به عنوان مثال، در زمینه محیط زیست، از نانوذرات برای تصفیه موثر آب استفاده می‌شود. پارچه‌ها یا لباس‌های "هوشمند" در مراقبت‌های بهداشتی، خدمات اورژانس و پلیس، بلکه برای افراد خصوصی تبدیل به امری عادی می‌شود. لباس‌هایی وجود دارند که فشار خون، ضربان قلب و تعریق را تشخیص می‌دهند. همچنین پارچه‌های نرم اما بسیار مقاومی وجود دارد که پلیس برای محافظت از آنها استفاده می‌کند. از طریق آنچه به عنوان چاپگر سه بعدی شناخته می‌شود، اکنون می‌توان اشیا سه بعدی ساده را چاپ کرد.

### سناریوی هشتم: یک انقلاب جدید (سناریوی مطلوب) IT

توسعه اجتماعی با پیشرفت عظیم در زمینه IT هدایت می‌شود. در سال ۲۰۳۲، ظرفیت کامپیوترها در حدود ۱۵۰،۰۰۰ برابر سریعتر از سال ۲۰۱۲ است و ارتباطات سریع، ارزان و بیسیم رایانه را می‌توان تقریباً در همه جا یافت. در دهه ۲۰۲۰ موفقیت‌های زیادی در تحقیقات مربوط به هوش مصنوعی حاصل شد. توسعه سیستم‌های رایانه‌ای هوشمند که بتوانند کارهای پیشرفته‌تری مانند ترجمه، برنامه‌ریزی، یادگیری و تصمیم‌گیری را مدیریت کنند، در حال شروع است. فناوری رباتیک نیز طی دهه ۲۰۲۰ به سرعت توسعه یافت. ربات‌های خدماتی در سال ۲۰۳۲ در زمینه‌های مختلفی مانند مراقبت‌های بهداشتی، خدمات اجتماعی و دفاتر که انسان و کامپیوتر از طریق گفتار با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، مورد استفاده قرار می‌گیرند. همچنین می‌توانید با رایانه‌های تعبیه شده در وسایلی مانند آسانسور، ماشین و یخچال کاملاً معمولی صحبت کنید. سیستم‌های دارای رابط بین مغز (از طریق سنسورهای بیرون یا داخل سر) و رایانه‌ها نیز معمول می‌شوند، به ویژه هنگامی که این کار با رایانه‌های شخصی، در مواقع رانندگی و دارو مورد نیاز باشد.

### سایر سناریوهای محیط زیستی

#### سناریوی اول: جهان متعارف

این سناریو مرجع یا "تجارت" به صورت "معمول" است. این تأکید نه یک پیش‌بینی از روندهای فعلی، بلکه یک سناریو بر اساس آنچه می‌توان انتظار داشت با توجه به انتظارات متعارف گسترده در مورد آینده، از جمله تشدید روندهای فعلی و فرضیه رفتار تصمیم‌گیرندگان در دولت‌ها و جوامع در چند دهه آینده با آنچه در ۴۰ سال گذشته به نمایش گذاشته شده است تفاوت اساسی نخواهند داشت (یعنی یافتن راه‌حل برای مشکلات کوتاه مدت بدون در نظر گرفتن دیدگاه طولانی)، همه در محدوده قوانین شناخته شده فعلی جهان فیزیکی عمل می‌کنند.

**اقتصاد جهانی:** پس از بحران مالی پایان دهه گذشته، با وجود سیستم‌های کنترل کارآمدتر، اما بدون تغییرات عمده، رشد خود را از سر می‌گیرد. کشورهای در حال ظهور

رشد به طور فزاینده‌ای پیش می‌روند. با این حال، تعداد قابل توجهی از کشورها در مزایای آن سهم نیستند.

**جمعیت:** همچنان رو به افزایش است اما به سرعت گذشته نیست.

**فناوری:** نوآوری و انتشار شدید فن آوری همچنان ادامه دارد، که منجر به افزایش بهره‌وری در استفاده از آب و استقرار سرویس بهداشتی می‌شود اما از سرعت کافی برای مقابله با نیازهای رو به رشد برخوردار نیست.

**تغییر اقلیم:** به دلیل عدم اراده سیاسی کافی و فشارهای فزاینده مصرف، شدت می‌یابد. در اواخر دوره، اقدامات اساسی تری انجام می‌شود، اما تأثیر خفیف آن اقدامات تنها بعد از دهه‌ها احساس می‌شود.

**بهداشت اکوسیستم:** زمین‌های کشاورزی (هر دو دیم و آبیاری) گسترش می‌یابند، که ناشی از افزایش تقاضای مواد غذایی و تغییر تنظیمات رژیم غذایی به سمت محصولات حیوانی است. اکوسیستم‌های خشکی و آبی رونق تخریب تدریجی را ادامه می‌دهند، که با جنگل زدایی برای زمین‌های کشاورزی و گسترش شهرها، آلودگی گسترده (با وجود افزایش کنترل در بسیاری از کشورها) و تغییر مناطق اقلیماتیک مرتبط با تغییر آب و هوا، تشدید می‌شود. در حالی که سازگاری با سیستم‌های زراعی با استفاده از انواع تکنولوژی‌های جدید و سیستم‌های زراعی نوین ارتقا می‌یابد، بسیاری از اکوسیستم‌های طبیعی، تحت تأثیر ارگانسیم‌های کندکننده رشد (جنگل، تاندر و غیره) آسیب‌دیده، ناپدید می‌شوند یا به شدت کاهش می‌یابند.

**همکاری جهانی:** نظم سیاسی بین‌المللی به طور فزاینده‌ای در مسائل امنیتی متمرکز می‌شود، و نگرانی‌های توسعه مناطق عقب‌مانده همچنان پابرجاست. بسیاری از اهداف توسعه هزاره به پایان نرسیده‌اند و پیشرفت در اهداف و مناطق ناهموار کند است. درگیری‌های مربوط به آب در مرزها و در مناطق خشک و کم‌آب افزایش می‌یابد. جهان چند قطبی می‌شود، اما قدرت همچنان در اقلیتی از کشورها متمرکز است.

**ارزش‌ها:** ارزش‌های مصرف‌گرایان غالب هستند، برخی از خرده فرهنگ‌ها (بسیار جزئی) سبک‌های زندگی متفاوتی را در پیش می‌گیرند. علاقه شخصی و دید نزدیک‌بینی فردی هنجارهای روز هستند.

**تنش آبی:** منابع آب زیرزمینی به دلیل برداشت بیش از حد در اکثر مناطق غیرمرطوب جهان تخلیه می‌شوند. رواناب سطحی نیز به طور گسترده‌ای تحت تأثیر افزایش برداشت و همچنین افزایش تبخیر و تعرق و تغییر الگوی بارش در فضا قرار دارد که با گرم شدن کره زمین در ارتباط است. فراوانی و شدت حوادث شدید آب و هوایی افزایش می‌یابد. تنش آبی در مناطق خشک، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه بسیار مهم می‌شود و افزایش عدم اطمینان و آسیب‌پذیری سیستم آب بر جوامع، اقتصادها و اکوسیستم‌ها تأثیر می‌گذارد.

**بهزیستی:** فقر مطلق جهانی همچنان پابرجاست، اگرچه در فقر نسبی (کسری از کل جمعیت در فقر) کاهش ناچیزی وجود دارد. نابرابری مداوم در داخل و بین کشورها افزایش می‌یابد، و آتش درگیری‌ها را تغذیه می‌کند و میلیاردها فقیر جهانی را از دسترسی به امکانات محروم می‌کند.

### نتیجه‌گیری

امنیت یکی از اساسی‌ترین مفاهیم حوزه سیاست و روابط بین‌الملل است. امنیت نیاز بنیادین و هدف اولیه و اساسی تک تک انسانها در جامعه و دولت‌ها در عرصه بین‌المللی است به طوری که مهمترین وظیفه و مسئولیت دولت ملی که مبنای تأسیس آن محسوب می‌شود که با تهدیدات متعددی از ناحیه اقتصاد، حقوق بشر و محیط زیست روبه‌رو می‌باشد بر اساس تئوری‌های امنیتی مطرح شده، بی‌ثباتی در حوزه اقتصاد می‌تواند تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شود. بدون عدم تأمین شرایط امنیتی، نمی‌توان در انتظار به ثمر نشستن و حتی پاگرفتن نهاد اقتصاد یا به اصطلاح توسعه اقتصادی بود؛ جامعه‌ی توسعه‌یافته، نمی‌توانست ناامنی و بی‌ثباتی را تحمل کند و بر این باور بود که توسعه، به تقویت مبانی امنیتی جامعه خواهد انجامید علاوه بر آن نیز می‌توان بیان داشت که پس از اتمام جنگ سرد، ارتباط میان تغییرات، فشارها و فرسایش زیست محیطی و موضوع امنیت مورد توجه بسیاری از متخصصان این حوزه قرار گرفت. ایده امنیت زیست محیطی از نظر تاریخی به درگیری‌هایی مربوط می‌شود که در نتیجه فرسایش زیست محیطی در یکی از این حوزه‌ها بوجود می‌آید: استفاده بیش از

حد از منابع تجدیدپذیر، آلودگی و کاهش باروری زمین‌های کشاورزی. بنابراین مطالعات محیط زیست و امنیت به موضوعاتی از قبیل تأثیر تغییرات آب و هوایی و گرم شدن کره زمین بر گسترش درگیری‌ها در کشورهای مختلف می‌پردازد. «نظریه‌ی درگیری‌های زیست محیطی» بر نقش کمبود منابع طبیعی به عنوان یک متغیر مستقل در گسترش درگیری‌های نظامی و خشونت آمیز متمرکز است و در نهایت می‌توان تحلیل نمود که ارتباط میان امنیت و حقوق بشر از اهمیت بسیاری برخوردار است. اگر حقوق بشر را همان امنیت انسانی در نظر بگیریم، این ارتباط تقویت می‌شود. توسعه فردی، بین‌المللی و ملی نیازمند حمایت همه جانبه از امنیت انسانی است. توسعه نیازمند احترام به حقوق بشر است و احترام به حقوق بشر از بروز درگیری‌ها، به خصوص درگیری‌های نظامی، جلوگیری می‌کند. بنابراین، پنج سناریو منجر به آینده‌های نسبتاً متنوعی می‌شود، بعضی از آنها به وضوح نامطلوب و برخی دیگر مطلوب هستند (همانطور که در برابر ابعاد مهم ارزیابی می‌شود). بدترین سناریو، جهانی مرسوم است که دارای کمترین رفاه، تنش زیاد آب و تغییرات آب و هوایی زیاد است و پس از آن جهان جنگ. دنیای متعارف (در صورت امکان) در یک حد وسط قرار خواهد گرفت، اگرچه احتمالاً در طولانی مدت پایدار نیست. هر دو دنیا سناریویی تکنولوژی و هوشیاری جهانی بهتر از جهان متعارف هستند، اما دومی بالاترین سطح رفاه را نشان می‌دهد و احتمالاً پایدارترین است.

اگرچه سناریوها، نباید به عنوان پیش‌بینی آینده در نظر گرفته شوند، اما بسته به چگونگی توسعه و تعامل نیروهای محرکه اصلی، همه آنها از شرایط موجود تحولاتی قابل قبول به نظر می‌رسند. از این لحاظ، آنها تنوع آینده‌های جایگزین را برای وضعیت جهانی آب نشان می‌دهند. با در نظر گرفتن امکان‌پذیری و قابل قبول بودن، این سناریوهای پیچیده طیف گسترده‌ای از امکانات را در بر می‌گیرد. بسیاری از سناریوهای میانی می‌توانند تحقق یابند، به ویژه با توجه به امکان تحولات ناگهانی، از جمله تحولات شگفت‌آور در حوزه‌های فیزیکی و اجتماعی که اکنون نمی‌توان تصور کرد. چند سناریو در اینجا در نظر گرفته شده است، و همه اینها امروزه و یا در آینده مورد بحث و یا حتی پیشنهاد قرار می‌گیرند. از این نظر سناریوها محافظه‌کارانه هستند.

این پژوهش همچنین سناریو را در مورد چگونگی آگاه شدن بشریت نسبت به مشکلات تولید انبوه مواد غذایی و کارهایی که برای سلامتی و حفظ کره زمین بایستی انجام دهد، مورد بحث قرار داد. این تغییر جهانی عظیم غذایی را از عادت غذایی که جهان در حال توسعه مواد غذایی بیشتری را برای خروج از فقر تا تحقق هزینه‌های زیست محیطی و اجتماعی این عادت مصرف غذایی تحمیل می‌کند، را پیش‌بینی می‌کند. و تصور آینده غذایی جهان در حال توسعه و وظیفه صرفه‌جویی را بر عهده دارد. در مورد آب شیرین و سایر منابع کمیاب در هند، چین، شمال آفریقا و ایالات متحده، خاورمیانه همچنان با کمبود آب شیرین روبه‌رو هستند و به همین دلیل در خط مقدم سیاست‌های جدید پایداری هستند. خوردن غذاهایی که آب و زمین کمتری می‌گیرند و آلودگی آنها نسبت به پرورش گاو و خوک کمتر است توصیه می‌شود که تجدیدنظر اساسی در رژیم غذایی بشر را برای حفظ محیط زیست در بلند مدت می‌طلبد، برخی از نظریه‌پردازان معتقدند، جامعه می‌تواند حافظه خود را از خوردن حیوانات از دست بدهد و رضایت‌های ذاتی یک رژیم غذایی متنوع گیاهی و حشره‌ای را کشف کند. بنابراین پیش‌بینی می‌شود که دوران گوشت تولید انبوه حیوانات و هزینه‌های ناپایدار آن برای سلامت انسان و محیط زیست قبل از پایان این قرن به پایان برسد.

چهار سناریو جایگزین که می‌توان برای سال ۲۰۳۲ با توجه به سناریوهای چشم‌انداز جهانی برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد در ابعاد جهانی و منطقه‌ای بیان داشت:

۱. سناریوی فرست مارکت (Markets First) جهانی را پیش‌بینی می‌کند که در آن تحولات بازار محور بر اساس ارزش‌ها و انتظاراتی که در کشورهای صنعتی حاکم است همگرایی داشته باشند.
۲. سناریوی پالیسی فرست (Policy First) که با اقدامات قدرتمند دولت برای دستیابی به اهداف خاص اجتماعی و زیست محیطی هدایت می‌شود.
۳. سناریوی سکوریتی فرست (Security First) یا نخست امنیت، دنیایی از اختلافات بزرگ را در نظر می‌گیرد، جایی که نابرابری و درگیری ناشی از فشارهای اقتصادی اجتماعی و زیست محیطی وجود دارد.



۴. سناریوی اول پایداری (The Sustainability First) این سناریو جهانی را به تصویر می‌کشد که در آن الگوی توسعه جدیدی در پاسخ به چالش پایداری ظاهر می‌شود و توسط ارزش‌ها و نهادهای جدید و عادلانه‌تری پشتیبانی می‌شود.

#### منابع

ابراهیمی، ن. (۱۳۸۶). «تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ»، *سیاست خارجی*، شماره ۸۲.

حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۶). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: انتشارات پاپلی.

شیهان، مایکل. (۱۳۸۸). *امنیت بین‌الملل*، مترجم سید جلال دهقانی فیروز آبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

عیوض‌زاده اردبیلی، حسین. (۱۳۹۱). «ساخت موضوعی امنیت از دیدگاه سازه‌انگاری».

*فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۵، شماره ۱۹ - شماره پیاپی ۱۸.

طلایی، فرهاد؛ پورسعید، فرزانه. (۱۳۹۲). *بررسی تاثیر متقابل حقوق بشر و صلح بر یکدیگر*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Mohammad Kamrul Ahsan, Revising the Concept of Human Security, Philosophy and Progress: Vols. LIX-LX, January-June, July-December, 2016, p. 19-20, ISSN 1607-2278 (Print), DOI: <http://dx.doi.org/10.3329/pp.v59i1-2.36679>, pp: 19-20.

Withworth, Sandra (2008), "Feminist Perspectives", in Paul D. Williams, (ed), Security Studies: An Introduction, Routledge.uk., p. 103.

Katarzyna Zukrowska, the Link between Economics, Stability and Security in a Transforming Economy, p, 272. Available at: <https://www.nato.int/docu/colloq/1999/pdf/269-283.pdf>

Floyd, Rita. (2008). The Environmental Security Debate and Its Significance for Climate Change, University of Warwick institutional repository: <http://go.warwick.ac.uk/wrap>, p. 4-5

Gred Oberleitner. (2002). Human Security and Human Rights, European Training Center for Human Rights and Democracy, p. 13

Лапаева В.В. (2014). Политико-правовая концепция Ю. Хабермаса (с позиций либертарного правопонимания) // <http://igpran.ru/articles/2964/> Последнее обращение 1a1.09.2014

- Shultz, R. (1997). Introduction to International Security. *Security studies for the 21th security* , Edited by: Richard H. Shultz Jr ; Roy Godson and Georg H. Quester . Virginia: Brasey's Inc.
- Lft col. Rafat awudu, assessment of the impact of drug trafficking on national security: a case study of ghana, University of Ghana, 2016.
- Booth, Ken. (2005). *Critical Security Studies and World Politics*: 263 Boulder, Col.: Lynne Publishers, Inc, pp. 260-261.
- Vreÿ, F & Solomon, H. (2020). COVID-19 as a security threat: some initial perspectives. Security Institute for Governance and Leadership in Africa.